بی‌مناسبت

آگاهی بخشی مسیر رسیدن به هدف

عکس: خبرگزاری ایسنا

دکتر سیداحمد موسوی
دبیر کل جمعیت هلال احمر

کشور ما از جمله کشورهایی است که خوشبختانه ظرفیت‌های قابل توجهی در آن وجود دارد. یکی از حوزه‌هایی که در آن از ظرفیت‌های قابل توجهی برخورداریم، حوزه نیروی انسانی است. امروزه بیشترین چالش جامعه ما فرهنگی - اجتماعی است. همیشه به این موضوع فکر کرده‌ام که چگونه نهاد اجتماعی می‌تواند آرمانی، مقدس، پاک و تبلوریافته از اندیشه‌های ما باشد و از موقعیتی که امروزه در آن قرار داریم فاصله بگیریم و به ریشه و اصالت خویش بازگردیم. بیشترین دفاع من از «شهروند» به آن خاطر است که جامعه ما زیبنده تاریخ، شأن، اعتقاد و فرهنگ ما نیست.

ما در جامعه‌ای پرچالش زندگی می‌کنیم.بیشترین فضای ذهنی مرا چالش‌های اجتماعی جامعه امروز به خود اختصاص داده است. به منظور فاصله گرفتن از این فضا و فاصله گرفتن از نگاه‌های منفی اجتماعی نیازمند آگاهی بخشی است.روزنامه شهروند می‌تواند بازیگر این نقش باشد. این کار نیازمند کالبدشکافی، آسیب‌شناسی و استفاده از دیدگاه‌های کاملا علمی است. ما امروز بیش از هر وقت دیگری نیازمند فاصله گرفتن از رفتارهای واکنشی هستیم. باید ببینیم چرا مردم ما تحمل یکدیگر را ندارند؟ چرا امروز درگیری‌های جامعه در میزان بالایی است؟ چه عاملی باعث افزایش حجم شکایت‌ها و بالا رفتن حجم پرونده‌های موجود سیستم‌های قضایی شده‌است؟ ما درحال حاضر یکدیگر را تحمل نمی‌کنیم.

جامعه ما با مسأله کمبود صبر و بردباری دست به گریبان است. آستانه تحمل افراد به‌شدت پایین آمده و نمی‌توانیم حرف یکدیگر را به خوبی بشنویم به همین خاطر ناشنیده به سخنان یکدیگر واکنش نشان می‌دهیم. دروغ بیش از اندازه در جامعه ما گسترش یافته است. این درحالی است که چنین صفت مذمومی پیش از این نه در فرهنگ ما جایی داشت و نه در اعتقادات ما. امروز ناهنجار و ضدارزشی چون دروغ به ارزش تبدیل شده است. ما امروز از مقابل بسیاری از چالش‌ها به راحتی عبور می‌کنیم و کارها را بر محور فردی انجام می‌دهیم. این درحالی است که همه ما جزو یک پیکره هستیم و باید به مسائل اجتماعی دور و برمان واکنش نشان دهیم. ما گمان می‌کنیم اگر فقط هوای خودمان را داشته باشیم به انتفاع رسیده‌ایم درحالی که اتفاقا قضیه کاملا برعکس است. نگاه جمع گرایانه است که می‌تواند تک‌تک ما را به نقطه‌ای مطلوب‌تر از آنچه هم‌اکنون در آن قرار داریم برساند. باید بفهمیم ما خرد هستیم و جامعه کلان است. اما فرهنگ امروز جامعه ما می‌گوید: «حواست به کلاه خودت باشد!».

> نیست و باید اصل کار را انجام دهیم. این درحالی است که محمد آصفری نماینده اراک در مجلس به خبرنگار پارلمانی «شهروند» می‌گوید: اظهار نظر درباره فراکسیونی که هنوز تشکیل نشده و فعالیت خود را آغاز نکرده

وقتی در جامعه‌ای شاهد بی‌اعتمادی باشیم، پایه آن سست می‌شود و ناامیدی به دنبال آن بروز و ظهور پیدا می‌کند. در ادامه این ماجرا یکی از واکنش‌ها درون گرایانه است. فرد به سمت خویش باز می‌گردد. بنابراین وقتی می‌گوید: «من از این فرآیند ناامیدم» تصمیم می‌گیرد خود را از فرآیند مورد نظر جدا کند. بنابراین هیچ یک از افراد خود را در اختیار جامعه قرار نمی‌دهند. چرا در گذشته پیشینیان ما دارایی خود را در اختیار مجامع خیریه قرار می‌دادند؟ (منظورم از بیان این نیست که افراد جامعه امروزین ما این کار را انجام نمی‌دهند اما آمارها نشان می‌دهد منحنی کارهای خیر رو به پایین است). در گذشته تمام افراد جامعه به این رفتار نگاه ویژه‌ای داشتند. یکی از دارایی‌های بزرگ در گذشته همین کمک‌های مردمی بود. وقتی چنین گسستی در جامعه اتفاق می‌افتد، جامعه ناکارآمد از تحقق آرمان‌های من می‌شود، ناامید می‌شوم و به خواست‌های درونی می‌پردازم تا بتوانم مصونیت درونی ایجاد کنم. فرد از جامعیت عبور می‌کند و به فردگرایی می‌رسد. اگر نوعدوستی، نگاه اجتماعی، فعالیت‌های داوطلبانه را از فرد بگیرید هیچ چیز جز انتفاع فردی باقی نمی‌ماند.

جوامع توسعه‌یافته بنیادهای مردمی و کارهای بشردوستانه را رونق دادند. آنها فهمیدند اگر نتوانند بین منافع فردی و منافع اجتماعی ارتباط برقرار کنند وضع جامعه با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. نگاه امروز در جامعه ما نگاه فردگرایانه و نفع‌طلبانه است. خیرخواهی و انسان‌دوستی که در طول تاریخ در جامعه ما همراه با ایثار، از خودگذشتگی بود امروز کمرنگ شده است. امروز هم ایرانیان این ویژگی‌ها را دارند اما ظهور این رفتارها در جامعه ایرانی کم‌فروغ‌تر از گذشته شده است.

هلال‌احمر باید کاری کند که اعتماد مردم به این سازمان بازسازی شود. مردم باید بدانند سرمایه‌های مادی و معنوی آنها در چه مسیری هزینه می‌شود. «شهروند» باید در زمینه بازگشت اعتماد کار و امید را به مردم تزریق کند. باید جامعه را از سمت ناامیدی مطلق به ناامیدی نسبی هدایت کنیم و در ادامه امیدوار باشیم با فراهم آمدن زمینه‌های لازم حرکت در مسیر امید ادامه پیدا کند. آگاهی بخشی که روزنامه «شهروند» و صفحات «طرح نو» در صددش هستند بهترین مسیری است که می‌توان برای رسیدن به هدف مورد نظر متصور شد.

با هفته کتاب

در جست‌وجوی آشتی صادقانه

بهروز وجدانی
پژوهشگر موسیقی

از هر ابزار و عملی که برای تشویق مردم به تحقیق و پژوهش و نوشتن استفاده کنیم، کار خوبی کرده‌ایم. خصوصا در شرایط کنونی که با ظهور و بروز تکنولوژی‌های مدرن (که البته فی‌نفسه خوب هستند)، جوانان با کتاب و کاغذ بیگانه شده‌اند. اگر بتوان در هفته کتاب حتی درصدی از جوانان را به مقوله کتاب و کتابخوانی تشویق کرد، کار بسیار ارزشمندی است. این که به آنها این شوق را بدهیم که به کتابخانه‌ها بروند، ببینند اجدادشان چه کارهای عظیمی انجام داده‌اند و بدون امکانات امروزی چه گنجینه‌هایی را در اختیارشان گذاشته‌اند، اقدام بسیار مهمی است. جوانان نیز از مسأله کلی که درباره کتاب رایج است، جدا نیستند.

جوانان امروز کمتر به سمت مجلات و کتاب گرایش دارند. آنها سوالات خود را با چند دقیقه وقت گذاشتن در اینترنت و شبکه‌های مجازی و چند کلیک ساده به‌صورت سطحی رفع می‌کنند. تنبلی و بی‌حوصلگی که در مورد برخورد جامعه با کتاب وجود دارد شامل حال جوان‌ها نیز می‌شود.

با توجه به شرایطی که به وجود آمده می‌خواهم به مسئولان پیشنهاد کنم در مقام مسئول کار خود را بکنند اما اجازه بروز و ظهور نظرات کارشناسان را هم بدهند. اگر رابطه بدنه مدیریتی ما با کارشناسان و نیروی انسانی متخصص کمرنگ شود، حاصل کار به دلخواه هیچ‌کدام از دو طرف نخواهد بود. مدیران باید از امکاناتی که در اختیار دارند استفاده کنند، از نیروی انسانی و امکانات سنتی گرفته تا تکنولوژی‌های مدرن. البته این یک امر طبیعی است که هر مدیری باید در برابر مقام بالاتر خود پاسخگو باشد اما این نکته را نیز نباید از ذهن دور کنیم که در هر جایی که رابطه مدیران با کارشناسان کمرنگ شود، فرهنگ این مملکت ضربه خورده است.

باید کاری کنیم کارشناسان و مسئولان با هم به صورت صادقانه آشتی کنند تا حاصل کار برای هر دو طرف، قابل اتکا باشد و فرهنگ جامعه را به روزهایی پرفروغ‌تر برساند.

قند تلخ

اندر حدیث بیمه‌های گوناگون

ما با خیال راحت مریض می‌شویم!

نیره‌توکلی
جامعه‌شناس

ما در جامعه‌مدنی از بیمه‌های بسیار مختلفی برخورداریم. ذیلا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

بیمه خدمات درمانی: دفترچه بیمه خدمات درمانی، دفترچه انشا و نیز تمرین خط برای پزشکان است. از آنجایی که بسیار پیش آمده که به بدخطی و ناخوانا بودن نسخه‌های پزشکان شریف و محترم ایراد گرفته‌اند، بدین وسیله آنها سعی در تمرین نوشتن به خط بسیار زیبا می‌کنند. حالا اگر کسی نتواند خط آنها را بخواند، نظر به این که ضرورت و فایده‌ای در خواندن خط آنان احساس نمی‌شود، می‌توان از جنبه هنری به آثار آنان نگریست. این بیمه چنان فراگیر است که هزینه‌های آزمایشگاهی و دندانپزشکی و چشم‌پزشکی و ویزیت دکتر و دارو و زایمان و بقیه موارد را دربر نمی‌گیرد و اصولا چنین هزینه‌هایی را جزو تجملات و دون شأن انسان‌های خاکی و ساده‌زیست و دارای مناعت طبع به‌شمار می‌آورد.

بیمه تکمیلی بازنشستگان: نظر به این که بازنشستگان آینده‌سازان این مملکت هستند، عهده‌دار بیمه آنها آتیه‌سازان است. به همین دلیل سقف بیمه آنها از سالی یک میلیون یا چیزی مانند اینها تجاوز نمی‌کند. آنها با همین مقدار کلیه خدمات درمانی را انجام می‌دهند و یک چیزی هم اضافه می‌آورند. زیرا تعداد مراکز پرداخت هزینه‌های این بیمه در شهری به بزرگی تهران از دو سه جا در شرق و غرب و جنوب تهران تجاوز نمی‌کند. در نتیجه، چندین حالت پیش می‌آید:

حالت اول: تا بازنشستگان محترم ریش‌سفید و گیس‌سفید بیایند خودشان را با عصا و صندلی چرخدار و نیز وسایل نقلیه بسیار عالی و خوب عمومی به این مراکز برسانند، عمر با عزت آنها خاتمه می‌یابد.

حالت دوم: به علت آلزایمر، اصلا یادشان می‌رود که می‌خواسته‌اند به کجا بروند.

حالت سوم: خودشان را به آنجاها می‌رسانند و اصل مدارک پزشکی و یک عالمه مدارک دیگر را تحویل می‌دهند، اما بسیاری از موارد، ازجمله «چک‌آپ»های مختلف و آزمایشگاه و چشم‌پزشکی و ویزیت‌های دکترها و بقیه هزینه‌های پزشکی و درمانی تجملی و از روی لوس‌بازی تلقی می‌شود و بازپرداختی به آنان صورت نمی‌پذیرد.

در نتیجه، صرفه‌جویی‌های بسیاری در کل بودجه مملکت صورت می‌پذیرد و همان‌طور که قبلا نیز اشاره شد، یک چیزی هم اضافه می‌آورند.

بیمه طلایی: نظر به این که آدم هیچ هزینه درمانی دیگری ندارد، مگر این که در بیمارستان بستری شود و از بیمه طلایی استفاده کند، **از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم / مرحمت فرموده مارا مس کنید**

بیمه معنوی: تنها بیمه کارساز و موثر در ایران. به رانندگانی که با نوشتن این نوع بیمه در پشت ماشین‌شان فکر می‌کنند که دیگر رعایت قوانین راهنمایی لازم نیست، تذکر داده می‌شود که این بیمه را باید با قانونمداری‌شان تکمیل کنند و دیگران را به بیمه‌های زمینی محتاج نکنند که از قدیم گفته‌اند تنت به ناز بیمه‌ها محتاج مباد.

بیمه تأمین اجتماعی: دفترچه این بیمه، دفتر خاطرات خوش و مدیریت مدبرانه دولت نهم و دهم در به ورشکستگی کشاندن این سازمان و بدهکار کردن آن به عالم و آدم بیمه‌شدگان است.

بیمه‌بیکاری: به‌حق چیزهای نشنیده!

بیمه بدنه خودرو: پول بی‌زبان را بدهید دست شرکت‌های بیمه‌گر و کارت خوشگل بیمه‌بدنه را فقط تماشا کنید. هر بلایی که سر خودروتان آمد، مبادا وسوسه شوید که از پول این بیمه هزینه کنید. چون سال دیگر چندبرابرش را از شما پس می‌گیرند.

بیمه شخص ثالث: به آن که اصلا دست نزنید، فقط سالی چندبار پول بیشتری به شرکت‌های بیمه بپردازید تا دلتان خوش باشد که بیمه شخص ثالث دارید. در مقالات علمی - تحلیلی بعدی بیشتر به این نوع بیمه می‌پردازیم. اما عجالتا کوپن‌های آن را حتی لمس هم نکنید.

بقیه‌بیمه‌ها: منظورتان چیست؟

نتیجه‌گیری: نظر به این که در کشور ما این همه بیمه جور واجور عادی و تکمیلی وجود دارد، ما از نظر سلامت و رفاه و بهزیستی هیچ دغدغه‌ای نداریم. با خیال راحت مریض یا بازنشسته می‌شویم یا به صورتمان اسید می‌پاشند یا می‌زنند به خودرومان یا در حوادث گوناگون هلاک می‌شویم. در بسیاری موارد هم همین جوری بیکار برای خودمان می‌گردیم و بیمه‌بیکاری می‌گیریم. اما نمی‌دانم چرا سایت تابناک در تاریخ ۱۳ آبان ۹۳، یک آمار بیخودی بین‌المللی درباره رتبه ایران از لحاظ رفاه منتشر کرده. البته این آمار چندان هم آبروریزی نیست، چون درست است که شاخص رفاه کشور ما در ۱۴۲ کشور رتبه ۱۰۷ام را دارد، اما ۳۵ کشور در دنیا وجود دارند که لابد از این جور بیمه‌های ما برخوردار نیستند و وضعشان خیلی خیلی خراب است.

امروز با مولانا

بندگان‌مان خواجه‌تاش ما شوند / بی‌دلان‌مان دلخراش ما شوند
چشم‌روشن دشمنان و دوست کور / گشت ما را پس گلستان قعر گور

یک خبر | یک نگاه

ساماندهی بوفه مدارس چه زمانی عملیاتی می‌شود

تغذیه یکی از مهم‌ترین ارکان سلامت است که در همه دوران زندگی به‌ویژه سال‌های ابتدایی که رشد بدن سریع‌تر انجام می‌شود، از اهمیت زیادی برخوردار است. پس این که کودکان و نوجوانان چه چیزهایی بخورند و ذائقه غذایی آنها به کدام سمت و سو برود بسیار مهم است. کنترل خوراکی‌های بچه‌ها و عادت دادن آنها به خوراکی‌های مفید وظیفه پدر و مادر است؛ اما پدر و مادر همه جا در کنار بچه‌ها نیستند. دانش‌آموزان ۹ ماه از سال را به مدرسه می‌روند و ۵ تا ۶ ساعت را در مدرسه می‌گذرانند؛ زنگ‌های تفریح هم فرصت خوبی برای خوردن هله هوله دور از چشم والدین است. متاسفانه تا امروز بحث‌های زیادی مبنی بر مدیریت و کنترل خوراکی‌هایی که در بوفه‌های مدارس عرضه می‌شود، به میان آمده؛ اما هنوز اقدام عملی موثر در این رابطه صورت نگرفته است. معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش اخیرا مصاحبه‌ای با ایسنا داشته که در رابطه با این موضوع با اشاره به این که ممنوعیت توزیع مواد غذایی آسیب‌رسان و مضر به صورت فازبندی و مرحله‌ای انجام خواهد شد عنوان کرده است: یک مرتبه نمی‌توانیم بسیاری از خوراکی‌ها را ممنوع اعلام کنیم زیرا در ۵۰ متری بوفه مدرسه، فروشگاه‌هایی این خوراکی‌ها را به فروش می‌رسانند. مهرزاد حمیدی با بیان این که در ماه اخیر موافقتنامه‌ای با وزارت بهداشت به امضا رسید، اظهار کرد: به سمت عملیاتی کردن این موافقتنامه پیش می‌رویم. چند شب پیش نخستین جلسه کمیته مشترک با حضور مسئولان هر دو وزارتخانه آموزش و پرورش و بهداشت برگزار و مقرر شد روی ساماندهی بوفه‌های مدارس با جدیت بیشتری کار شود.

برش

سگی که علف می‌خورد

|ابراهیم یونسی

روزی سگی داشت در چمن علف می‌خورد.
سگ دیگری از کنار چمن گذشت.
چون این منظره را دید تعجب کرد و ایستاد.
آخر هرگز ندیده بود که سگ علف بخورد!
ایستاد و با تعجب گفت: اوی! تو کی هستی؟ چرا علف می‌خوری؟!
سگی که علف می‌خورد نگاهش کرد و باد در گلو انداخت و گفت:
من؟ من سگ قاسم‌خان هستم!
سگ رهگذر پوزخندی زد و گفت:
سگ حسابی! تو که علف می‌خوری؛ دیگه چرا سگ قاسم‌خان؟
اگر لااقل پاره استخوانی جلوت انداخته بود باز یک چیزی؛ حالا که علف می‌خوری دیگه چرا سگ قاسم‌خان؟ سگ خودت باش...!

برگرفته از کتاب «زمستان بی‌بهار»

شاتر

دریاچه بزنگان

عکس: خبرگزاری ایسنا